

کشمکشی بدون بازنده؟

آیا احتمال می‌رود که کشمکش میان جمهوری اسلامی و آمریکا و مناقشه بر سر غنی‌سازی اورانیوم در ایران بدون بازنده به پایان رسد؟ مصاحبه‌ای در این باره با دکتر هوشنگ امیر احمدی، استاد علوم سیاسی و کارشناس روابط ایران و آمریکا



دکتر هوشنگ امیر احمدی

دویچه وله: آقای امیر احمدی شما از جمله کسانی هستید که همیشه نسبت به ایجاد مناسبات ایران و آمریکا اظهار خوشبینی می‌کردند و حالا هم آقای احمدی نژاد صریحا به امکان گفتگو با ایالات متحده اشاره کرده، خوب شرایط این گفتگو تا چه اندازه فراهم است؟

هوشنگ امیر احمدی: ببینید ما در ابتدای یک جریان خیلی مهم هستیم. مسایل ایران و آمریکا بسیار عدیده و پیچیده است. ولی مهمترین اتفاقی که باید می‌افتاد، افتاده است و آن است که مخصوصا طرف ایران این علاقه‌مندی را نشان بدهد که با آمریکا به مذاکره بنشیند. آمریکایی‌ها هم به نظر من این علاقه‌مندی را دارند.

این اظهار تمایل نسبت به گفتگو با آمریکا اولین باری نیست که از طرف آقای احمدی نژاد مطرح می‌شود، ایشان اولین رئیس جمهور ایران پس از سی‌سال بوده است که این تمایل را صریح اعلام کرده ولی هیچگاه در این جهت حرکتی نکرده است، تفاوت حرف‌های الان با آن زمان چیست؟
زمانی این یک تحول فکری بود، الان دارد کم‌کم می‌رود که یک جریان باشد، یعنی دارد از یک ایده به یک سیاست تبدیل می‌شود. و این خیلی مهم است.

این سیاستی که به آن اشاره می‌کنید، چرا در مناقشه هسته‌ای خود را نشان نمی‌دهد؟ آیا بدون حل این مسئله هیچگونه امیدی به "عادی سازی" مناسبات با جهان خارج هست؟

ایران یک موضعی در مسایل هسته‌ای‌اش دارد که به نظر من این موضع معقول است. یعنی می‌گوید ما حقیقتا آنقدر غنی‌سازی کنیم و سر این غنی‌سازی حاضریم با شما مذاکره کنیم، اما نه در چهارچوب یک پیش‌شرط. تنها مشکلی که ایران دارد، این است که اروپا و آمریکا برای ایران پیش‌شرط گذاشته‌اند و این برای ایران قابل قبول نیست. ایران سه هزار سال سابقه تاریخی دارد، ملت بزرگی است، احترام دارد، عزت دارد.

در ایران برسر این مسئله اختلاف نظر وجود دارد. برخورد آقای احمدی‌نژاد با موضعگیری آقای ولایتی هم این را نشان داد. این اختلافات تا کجاست و آیا اجازه می‌دهد این مناقشه به راه حلی برسد؟

فکر نمی‌کنم این اختلاف برسر سیاست‌گذاری باشد. آقای احمدی‌نژاد سیاست آقای خامنه‌ای، رهبر انقلاب را اجرا می‌کند، آقای ولایتی هم مشاور بین‌المللی آقای خامنه‌ای است. بنابراین اختلافی برسر سیاست نیست. چیزی که آقای احمدی‌نژاد به درستی به آن اشاره کرده است، این است که آقای ولایتی سخنگوی دولت نیست. سیاستگذاری را شخص رهبری می‌کند، این را می‌دهد به دولت، دولت از طریق وزارت امور خارجه و شورای امنیت ملی این را اجرا می‌کند. مسیر درست این است.

این مسیری که به آن اشاره کردید در مورد خود آقای احمدی‌نژاد هم صدق می‌کند یا نه؟ – چون وقتی ایشان می‌گویند هر لحظه بخواد، می‌تواند با آمریکا وارد مذاکره شود، به او انتقاد می‌شود که تصمیم‌گیری در این زمینه در حوزه اختیارات رهبر است.

مسئله این جاست که در اصل اختلافی وجود ندارد، بلکه سر این که این چگونه منتقل شود به دنیای خارج و چگونه سر میز مذاکره اجرا شود، بحث است. دولت مجری این سیاست است که از طریق دو نهاد، یکی وزارت خارجه و یکی شورای امنیت ملی است که آنرا پیش می‌برد. مخصوصا قضیه هسته‌ای در چارچوب امنیت ملی است که مطرح است. من اعتقاد ندارم که اختلاف نظر وجود دارد.

آمریکا با تغییر سیاست در مقابل ایران، جمهوری اسلامی را در برابر یک تصمیم جدی در رابطه با پرونده هسته‌ای‌اش قرار داده است. به نظر شما رهبری ایران – اگر معتقدید اختلاف نظری ندارند و یکدست حرکت می‌کنند – آمادگی این "عادی سازی" را دارند؟

اولا من نگفتم که همه نظام جمهوری اسلامی یکدست فکر و عمل می‌کند. به هر حال تفاوت‌های زیادی هست. ولی در سطحی که ما داریم حرف می‌زنیم، یعنی در چارچوب مسئله هسته‌ای و رابطه ایران و آمریکا، این تصمیم استراتژیک را شخص رهبری می‌گیرد، انتقال می‌دهد به دولت، دولت اجرا می‌کند، و در این زمینه اختلافی وجود ندارد. در مسایل اقتصادی و اجتماعی هست که اختلافاتی وجود دارد.

آیا ایران، در چارچوبی که شما می‌گویید، آمادگی حل مناقشه هسته‌ای را دارد؟

به نظر من ایران دارد برای حل مشکلاتش با دنیا و آمریکا دارد آماده می‌شود. مسئله هسته‌ای یکی از آن مسایل است. ایران هم آمادگی دارد، هم علاقه‌مندی، اما ایران کشوری است که باید در چارچوب منافع ملی خودش جلو برود. یعنی در تحلیل نهایی حکومت اسلامی می‌گوید منافع ملی و امنیتی من باید در چارچوب هر راه حل پیشنهادی باید تامین شود.

آیا بسته پیشنهادی ۵+۱ حاوی پیشنهادهایی نیست که امنیت ملی ایران را بهر حال بهتر از آنچه که امروز هست تامین کند و همین طور به رفع مشکلات اقتصادی کمک نماید؟

به همین دلیل هم ایران پیشنهاد ۵+۱ را تا حدودی پذیرفته است و خودش هم یک پیشنهادی در مقابل آن گذاشته است. و الان هم دارد سعی می کند بین ای ندو پیشنهاد یک تقاطعی را پیدا کند، که همه برنده شوند. ایران نمی خواهد آمریکا را ببازاند، آمریکا هم نباید فکر کند که ایران ببازد. این باید راه حلی باشد که هم آمریکا ببرد، هم ایران و هم کشورهای که در این رابطه ذینفع هستند ببرند.

و شما هم برای ایفای چنین نقشی به ایران رفته اید؟

من نقشم همیشه این بوده که سیاست ها و تفکرها و مسایل را شفافتر کنم. من کار دیگری ندارم.